

# سرزمین بکرنگاه تو

ابوالقاسم وردیانی

تابستان ۱۳۹۶

# سرزمین بکر نگاه تو

|| ۴ ||

|                     |                                          |
|---------------------|------------------------------------------|
| سرشناسه             | : وردیاتی، ابوالقاسم، ۱۳۴۷-              |
| عنوان و نام پدیدآور | : سرزمین بکر نگاه تو : ابوالقاسم وردیاتی |
| مشخصات نشر          | : تهران : ستاره جاوید، ۱۳۹۶.             |
| مشخصات ظاهری        | : ۶۶ص:؛ ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س.م.                 |
| فروست               | : شعر ۱                                  |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۳۹-۶-۶                      |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                   |
| موضوع               | : شعر فارسی-قرن ۱۴                       |
| موضوع               | : Persian poetry -- 20th century         |
| رده بند کتب         | : ۱۳۹۵ س۴/۴۶۳ PIR۸۳۶۳                    |
| رده بندی دیو        | : ۸۶۶۲/۱                                 |
| شماره کتابشناسی     | : ۴۶۰۱۵۹                                 |

## سرزمین بکر نگاه تو



کتابخانه ملی و اسناد ایران

تهران: خیابان امام خمینی-بین خیابان رودکی و خیابان شهید رحیمی بن

بست امیری پلاک ۱۰ واحد ۳ تلفن: ۶۶۲۶۷۶۶۳-۲۱

شاعر: ابوالقاسم وردیاتی

© حق چاپ: ۱۳۹۶، انتشارات ستاره جاوید

نویت چاپ: اول

طرح جلد و صفحه آرایي: آتلیه انتشارات ستاره جاوید

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۷۲۳۹-۶-۶

لیتوگرافی و چاپ: مجد

شمارگان: ۱۰۰۰

بها: ۱۲۵۰۰۰ریال

برای همسر، غزل

تمام دلیل بودم

### شماره و مطلع سروده ها

۱. ای سرزمین باستان تو دلدنی/ ۱
۲. گره خورد تقدیر من با به سمت/ ۱۱
۳. پُر کرده چشمم را، باران چشمانت/ ۱
۴. شبیه چشم تو در کوچه های شهر، کم است/ ۱۵
۵. باران که می زند دل من تنگ می شو/ ۹
۶. لبخند هم بدون تو حالا غریبه است/ ۱۸
۷. در چشم های تو روشنی را می شناسم/ ۲۰
۸. دوباره آمدی و لحظه ها قشنگ می شود/ ۲۱
۹. باز باران به کوچه ها می زد/ ۲۲
۱۰. تو آمدی و کوچه های شهر، غرق ماه شد/ ۲۴
۱۱. کاش می شد گذشته را خط زد/ ۲۵
۱۲. با شهر تو نفس به نفس دود می شوم/ ۲۶
۱۳. عکس غمگینت میان قاب می خندد به من/ ۲۷
۱۴. من و تو و، من و تکواژه های بی آهنگ/ ۲۸

۱۵. لحظه‌های بی تو در کابوس شب‌ها پیر شد/ ۲۹
۱۶. به انتهای این غزل از ابتدا رسیده‌ام/ ۳۰
۱۷. سینه‌ی تنگ خیابان، جای پای تو و بعد/ ۳۱
۱۸. دیوارها و فاصله‌ها، آه خسته‌ام/ ۳۳
۱۹. خط تکراری، عبور عابران و اضطراب/ ۳۵
۲۰. دیروزهای سرد بی تو، سهم من بود/ ۳۶
۲۱. در من همیشه سرکش و طوفانی است/ ۳۸
۲۲. دیوار سرد فاصله را خواب دیده‌ام/ ۴۰
۲۳. ریب نیستی غزل، تو فرصت نیایشی/ ۴۱
۲۴. تنهایی ترا، یک کویر، خسته و پر اضطراب/ ۴۲
۲۵. آردی خنک نسیم حیف تنها تر شدم/ ۴۴
۲۶. نفس کشیدن، آهون چه اشتباهی بود/ ۴۶
۲۷. باران و قاب پنجره، تنها آتشنگ نیست/ ۴۷
۲۸. دارد تمام پنجره‌ها که من بودم/ ۴۸
۲۹. چه سخت می‌گذرد روزهای من، بی تو/ ۵۰
۳۰. با پنجره نشسته‌ام و باز، منتظر/ ۵۱
۳۱. خط می‌کشم به روی تمام ثواب‌ها/ ۵۲
۳۲. شب‌واژه‌های تلخ، در این کوچ بی صدا/ ۵۴
۳۳. ای کوفه! در تو فاجعه تکثیر می‌شود/ ۵۵
۳۴. صدای باد در آغوش آب می‌رقصد/ ۵۷
۳۵. خروش زمزم خون، خاکریز و شور غزل/ ۵۹
۳۶. شب می‌خزد و سایه نفس می‌زند هنوز/ ۶۱
۳۷. می‌رفتی و روی دست مولا بودی/ ۶۲
۳۸. خاک تو کجاست تا بر آن گریه کنم/ ۶۳
۳۹. قربان نگاه خسته‌ات بی‌بی جان/ ۶۴
۴۰. برگ‌های زرد می‌میرند در رقص سقوط/ ۶۵

## به جای مقدمه

شاعر نیستم، فقط گاهی در مقابل هجوم واژه‌ها کم می‌آورم و تسلیم می‌شوم و چیزهایی که در این کتاب آمده، از نشان‌های شایسته‌ی من در این منازعه است. اولین بار در ده سالگی تسلیم و تسلیم شدم. عجیب اینکه این جنگ و گریز هنوز هم ادامه دارد.

برویم سر اصل مطلب. در این مجموعه غزل‌هایی آمده که ابیات کمی دارد و از تعریف و قاعده غزل تبعیت نکرده است. البته بسیاری از دوستان صاحب‌نظر و صاحب ذوق من هم بر آن نکته گرفته‌اند و جواب من هم همیشه این بوده است: «وقتی احساس می‌کنم حرفم

را زده و احساسم را بیان کرده‌ام، چه نیازی به زیاده‌گویی؟» و البته ایشان راضی نشده و نمونه‌های فراوان از شاعران متقدم و متاخر می‌آورند و کتاب // المعجم شمس قیس رازی را میانجی قرار می‌دهند و می‌فرمایند: «باید به تعداد قافیه‌های موجود بیت تولید کنی!» اما به گمان من بیان احساس چیزی نیست که بشود برای آن نسخه تجویز کرد. گاهی یک «آه» کار قصیده‌ای را می‌کند و گاهی دیوانی مملو از شعر نمی‌تواند جای یک واژه را که درست، به‌جا و موثر به کار رفته، بگیرد. موضوع دیگری که باید به آن اشاره کنم این است که خیلی از به اصلاح شعرهایم برای «خوانده نشدن» گفته شده و این تعداد از میان آنها انتخاب شده است و این، دلیل کم‌حجم بودن این مجموعه است.

بر خود لازم می‌دانم که این شاعر گرانقدر، برادر عزیزم جناب آقای دکتر غلام‌رضا ابراهیمی تشکلی را قدردانی کنم که اگر مهربانی و لطف ایشان نبود، این مجموعه به چاپ نمی‌رسید.

ابوالقاسم وردیانی

بیستم بهمن ۹۵

تهران